

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث راجع به بنیان سوم بود، این بنیان عبارت بود از اینکه اقتضاء عقل و بناء عقلا در مورد ظواهر قرآن چیست؟

برخی مطالب در مورد روان بودن و قابل فهم بودن قرآن کریم برای همه مردم یا قابل فهم نبودن قرآن برای مردم، مطرح گردید. گفتیم که اقتضاء عقل این است که قرآن روان و ساده باشد برای مردم و دارای بطن و لایه باشد برای خواص. در روایتی بیان شده است: ما فی القرآن الآفله ظاهر و باطن... حضرت صادق فرمود هیچ آیه ای نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد؛ ظاهرش برای عوام و باطنش برای خواص. قرآن تحدی دارد و فرموده است اگر یک آیه مثل این را بیاورید، دیگر این کتاب من عند الله نخواهد بود؛ تحدی به این است که شما مثل این غالب و وزن و... نمی توانید بیاورید به طور مثال آیه و لکم فی القصاص حیاه یا اولی الالباب... این جمله قرآن بهترین کلام در مورد قصاص است قبل از این، عبارت القتل انفاع للقتل بود، فخر رازی کلام عرب را با کلام قرآن مقایسه می کند و می گوید مزایای کلام قرآن بر کلام عرب این موارد است... رجوع شود.

این قرآن برای توده مردم، تحدی کرده است نه اینکه برای امیرالمومنین تحدی کرده باشد. قرآن لایه دار است و دارای ظاهر و باطن است، حضرت در توصیه ای به حارث همدانی می فرمایند: تمسک بحبل القرآن... گویا حضرت می فرمایند: قرآن حبل الله است و به این ریسمان تمسک بجو، و مسلماً قرآن باید ظاهر داشته باشد تا حضرت بفرماید به ریسمان قرآن تمسک بجو. لازمه بنیان سوم این می شود: قرآن این طور نیست که همه آیاتش برای همه قابل فهم باشد چنانکه کتاب معما هم نمی باشد که احدی غیر از معصوم آن را نفهمد.

بنیان چهارم: مراد از اینکه قرآن علی وجه التعمیه نازل شده یعنی چه؟ ظاهراً این تعبیر در نصوص نیامده است بلکه مستفاد از نصوص است. (البته این برداشت اخباری ها می باشد)

استاد علیدوست: از یک جهت برداشت اخباری ها درست است (از اینکه عرصه را - بر کسانی که می گویند قرآن همه آیاتش روان است و هیچ باطن و لایه ندارد - تنگ می کند) اما از یک جهت اشتباه است. (از اینکه نظریه اخباری ها ثابت کند که قرآن بر وجه تعمیم نازل شده است)

بنیان پنجم: مقداری حوادث صدر اسلام و گرایش های تفسیری صدر اسلام را بررسی کند؛ در این بنیان می گوئیم یک باحث اصولی باید حوادث صدر اسلام را در نظر بگیرد.

بنیان ششم: چه ما اندیشه اصولی را بپذیریم و چه اندیشه اخباری را، باید به 23 سال عصر تشریح نگاه کنیم؛ آیا در آن زمان، وقتی آیه ای نازل می شد مردم منتظر می شدند تا کسی بیاید آن را تفسیر بکند؟! مسلمانان صدر اسلام به قرآن عمل می کردند مادامی که رادعی نیامده ما هم همین کار را می کنیم.

استاد علیدوست: وقتی شش بنیان تمام شد معلوم شد که کلام اصولی ها (حجیت ظواهر قرآن) درست است؛ ما البته از عقل و عقلا و خود قرآن و... کمک گرفتیم.

نکته: البته مادامی که تفسیری از ناحیه معصوم نرسیده است رجوع به ظاهر صحیح است و بعد از بیان معصوم باید به بیان معصوم توجه شود.

نکته: قرآن می فرماید: فلینظر الانسان الی طعامه... اداره بهداشت از این آیه استفاده می کند و درست هم هست؛ اما وقتی این آیه به امام هادی می رسد، حضرت می فرمایند: فلینظر الانسان الی علمه الذی یاخذه عن یاخذه... سوال: جمع بین این روایت

با روایتی که می فرماید: انظروا الی ما قال و لاتنظروا الی من قال چیست؟

برای کسی که توان علمی کمی دارد باید بگوییم مواظب باش علمت را از کسی که منحرف است نگیری چون ممکن است خودت منحرف شوی اما در بحث داوری نباید به گوینده توجه شود و خود کلام را باید داور ببیند. در جایی که امام هادی آیه را تفسیر می کند ما باید با نگاه به نص به آیه نظر کنیم.

نکته: اگر نص تفسیری نباشد باید روایت کنار گذاشته شود.

الحمد لله رب العالمین